

صدور انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی در ابعاد تبلیغ و عدالت، از نظریه تا تداوم و تحول

محمد جمالو

دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشگرده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

mo.jamal1369@gmail.com

چکیده: بی‌تردید پیروزی انقلاب اسلامی ایران رویکرد معادلات سیاسی کشورهای خارجی در مواجهه با ایران را دگرگون کرد. تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و بازسازی سیاست خارجی ایران بر مبنای اندیشه رهبری انقلاب اسلامی مبنی بر صدور انقلاب اسلامی باعث شد تا رویکردهای نوینی در نوع ارتباطات خارجی و مراودات سیاسی در ایران اندیشیده شود. اندیشه صدور انقلاب و مطرح شدن آن از سوی امام خمینی به‌عنوان اولویت سیاست خارجی ایران در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی مبنای تعامل جمهوری اسلامی با سایر کشورهای جهان و مورد توجه اهل سیاست قرار گرفت. در این پژوهش مفهوم صدور انقلاب به‌عنوان یکی از مفاهیم پرکاربرد در ادبیات سیاسی سال‌های اولیه جمهوری اسلامی ایران، در گستره قلمرو معنایی اندیشه سیاسی امام در دو بُعد اصلی تبلیغ و عدالت بازشناسی شده است. ذکر این نکته ضروری است که واکاوی دو بُعد عدالت و تبلیغ در صدور انقلاب به‌منزله نادیده گرفتن سایر ابعاد اندیشه سیاسی امام نیست؛ چراکه ابعاد مختلف اندیشه سیاسی امام در برخی موارد با یکدیگر همپوشانی دارند.

کلیدواژه‌ها: صدور انقلاب، امام خمینی، اندیشه سیاسی، تبلیغ، عدالت

اهمیت و وسعت پدیده انقلاب اسلامی در سال‌های اولیه انقلاب موج شگفت‌زدگی عظیمی را در میان رهبران سیاسی جهان به وجود آورد. همراه شدن قوانین اسلامی در اندیشه سیاسی حکومت ایران پس از انقلاب و نقش مذهب به‌عنوان یکی از مضامین اصلی نگرش و طراحی نظام نوپای انقلاب، رویکردی متفاوت در سیاست خارجی ایران را به همراه داشت. صدور انقلاب ایران بنا به ماهیت مذهبی بودن آن و آمیخته شدن آن با اندیشه سیاسی اسلام و مبنا قرار دادن اسلام به‌عنوان متن مورد اتکاء در تدوین قانون اساسی باعث شد تا رویکردی اسلامی در حوزه سیاست خارجه به‌عنوان پیش‌فرض اولیه ارتباط با سایر دول اعمال شود. مفهوم صدور انقلاب به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی و بنیادی در اندیشه سیاسی امام خمینی، تغییر گفتمان اصلی سیاست خارجی را به دنبال داشت. با این حال، تاکنون مفهوم صدور انقلاب به لحاظ گستره معنایی در دو بُعد عدالت و تبلیغ، مورد پژوهش قرار نگرفته است و هنوز ابهامات در تعاریف و برداشتها در مفهوم فوق با توجه به وسیع بودن قلمرو معنایی بازشناسی نشده است. دو بُعد اصلی گفتمان امام در طول حیات سیاسی ایشان مفاهیم تبلیغ و عدالت بوده است. امام در بیانات خود همواره بر ابعاد عدالت‌محوری اسلام و تبلیغ حکومت اسلامی تأکید زیادی داشتند به نحوی که صدور انقلاب اسلامی ایران در بعد اسلامی آن خلاصه می‌شود و این مهم جز با به‌دست گرفتن سلاح تبلیغ و برپایی عدالت میسر نمی‌شود.

بر همین مبنا، پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: مفهوم صدور انقلاب

در اندیشه امام در ابعاد عدالت و تبلیغ چگونه قابل تحلیل است؟

مدعای اصلی پژوهش عبارت است از اینکه: دو بعد اصلی مفهوم صدور انقلاب در اندیشه امام، ابعاد عدالت و تبلیغ است و گفتمان صدور انقلاب از منظر امام در پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این ابعاد مطرح شده است. ابعاد عدالت و تبلیغ در گستره قلمرو معنایی صدور انقلاب اسلامی قرار دارند و با بسیاری از مفاهیم مربوط به صدور انقلاب ارتباطی تنگاتنگ داشته و در برخی مواقع نادیده گرفتن آنها منجر به برداشتی ناقص از مفهوم صدور انقلاب می‌گردد.

همگام با تبیین و پاسخ به پرسش اصلی به‌عنوان دغدغه پژوهشی، پرسش‌های فرعی زیر در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- با‌بازشناسی قلمرو معنایی صدور انقلاب و تبیین آنها، چه ابهاماتی در مسأله صدور انقلاب اسلامی رفع و چه سؤالاتی مطرح می‌شود؟

- سیر تحول مفهوم صدور انقلاب از برپایی جمهوری اسلامی تا رحلت امام در ابعاد عدالت و تبلیغ چگونه بوده است؟

نویسنده در پژوهش حاضر تلاش کرده است تا با در نظر داشتن چهارچوب نظری تحقیق، بر مبنای افکار و اندیشه‌های امام به پرسش‌های مذکور پاسخ داده و در صدد رفع ابهامات پیش رو بر آید.

تعریف مفاهیم و چهارچوب نظری پژوهش

صدور انقلاب

فارغ از اینکه الگوی صدور انقلاب به‌عنوان یک مفهوم در بازه زمانی پس از رخداد انقلاب تغییر و تحول یافته است، در این پژوهش، صدور انقلاب به معنی مفهوم اصلی و در قالب تعریف اندیشه‌ای و با تکیه بر گفتمان امام در ابعاد عدالت و تبلیغ، مدنظر قرار گرفته است. در تعاریف مختلف از صدور انقلاب با تعاریف مختلفی روبه‌رو می‌شویم. آگاهی بخشی و بیدارسازی مردمان و ملت‌های دیگر، رهایی‌بخش و آزادسازی سایر ملل و جوامع، ایجاد انقلاب‌های مستمر اسلامی در سایر کشورها، اشاعه آموزه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به فراسوی مرزهای جغرافیایی ایران از طریق تبیین و ترویج آنها (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۷: ۲۰۰).

چهار ناحیه جغرافیایی عمده در زمره اهداف صدور انقلاب از منظر جغرافیایی جای دارد این چهار ناحیه عبارتند از: خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز شوروی، افغانستان و لبنان (اسپوزیتو ۱۳۸۲: ۶۸).

اندیشه سیاسی امام خمینی

تاریخچه اندیشه سیاسی امام به منزله یک مفهوم علمی به تاریخ حیات فکری وی باز

می‌گردد. ارائه اندیشه سیاسی حکومت در اسلام بر مبنای ولایت فقیه و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در طرح‌واره اندیشه سیاسی امام جای دارد. نظام فکری و سیاسی امام منبعث از آثار کلامی، عرفانی، فقهی و سیاسی ایشان بود. امام در طول حیات سیاسی خود و در مبارزه علیه سیاست‌های رژیم پهلوی، همواره به عنوان فردی مبارز و احیاگر اندیشه‌های سیاسی اسلام و تشیع مطرح شده است. اهمیت اندیشه سیاسی امام با در نظر گرفتن وی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و جریان‌ساز و اندیشه‌ساز انقلاب دوچندان می‌شود. راه امام در جریان مبارزه سیاسی همواره راه احیای اسلام راستین و تلاش برای استقلال و آزادی بوده است. همچنین آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی نیز هر یک از افکار و اندیشه‌های سیاسی امام سرچشمه می‌گیرد. اسلام‌خواهی، احیای رابطه دین و سیاست، بازسازی سیاست بر اساس معیارهای اسلامی، عدالت‌خواهی، معنویت‌خواهی و احیای انسانیت آدمی و آزادی و استقلال و همچنین نقش مردم در سیاست با اندیشه امام پیوند خورده است. از طرفی، شناخت اندیشه امام به عنوان شاخص انقلاب و الگوی رفتاری مصلح دینی یکی از پیش‌قدم‌های تحلیل و ارزشیابی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است (فوزی ۱۳۹۴: ۱۷). بر همین اساس، اندیشه امام در این پژوهش اساس و اصل چهارچوب نظری پژوهش قرار گرفته است.

صدور انقلاب از منظر امام خمینی در دو مفهوم تبلیغ و عدالت

کلیات صدور انقلاب از منظر امام در دو مفهوم تبلیغ و عدالت تجلی یافته است. اساس و اصل اندیشه سیاسی امام بر تبلیغ و نشر اسلام استوار است. تأثیر اندیشه‌های اسلام بر امام باعث شده است که محور تأکید و الگوی نشر افکار و اندیشه سیاسی وی همواره از اسلام برخیزد. مفهوم صدور انقلاب از منظر امام نیز تأکید ویژه‌ای بر صدور اخلاق و افکار اسلامی دارد. در واقع سرچشمه اصلی صدور انقلاب از منظر امام تأکید وی بر اشاعه اخلاق اسلامی به معنی عام در میان جهانیان بوده است. در نتیجه، در قلمرو معنایی صدور انقلاب تبلیغ اسلام و تشیع به عنوان مفهومی اصیل در راستای صدور انقلاب اسلامی و رهایی مستضعفان از بند ظالمان است و حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در

اندیشه سیاسی وی نمود پیدا کرده است. امام در طی اجازه نامه شرعی به ابراهیم یزدی به تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۵۶ به وی اجازه صرف سهم امام را در جهت تبلیغ اسلام در امریکا و اروپا می دهد. در این نامه خطاب به ابراهیم یزدی آمده است که:

جنابعالی مجازید از وجوهی که در حساب این جانب از سهم مبارک امام - علیه السلام - خدمتان می دهند به همان مقدار که برای مصارف در ترویج اسلام در امریکا مجازید برای آقایان رفقای اروپایی یعنی اتحادیه دانشجویان اسلامی بفرستید و به آنها تذکر دهید که مصرف نشر و تبلیغ اسلام بشود (امام خمینی ۱۳۸۹: ج ۳: ۲۷۵).

همچنین امام در دیدار با دانشجویان خارج از کشور در ماه های اقامت در پاریس بر تبلیغ اسلام به وسیله دانشجویان ایرانی حاضر در خارج تأکید داشته و از آنان می خواهد تا در راستای ترویج و نشر اسلام قدم بردارند و جوانان غربی را آگاه کنند (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۹: ج ۴: ۱۳۴).

درواقع مهم ترین و اصلی ترین بخش صدور انقلاب از منظر امام صدور معنویت و اسلام به وسیله تبلیغ است. در این باره امام خمینی معتقد است:

ما که می گوئیم می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی خواهیم با شمشیر باشد بلکه می خواهیم با تبلیغ باشد. ما می خواهیم تبلیغات گسترده ای را که کمونیست ها و دیگران بر ضد اسلام می کنند، با تبلیغات صحیح خنثی کنیم، و بگوئیم که اسلام همه چیز دارد... به زبان آوردن کلمه «سیاست» جرم بود برای اینکه، الفا کرده بودند که سیاست مال منحرفین است. اصولاً اساس اسلام از سیاست است (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۷۲).

امام به لزوم آشنایی به چندین زبان جهت تبلیغ تأکید داشته و معتقد بودند که آشنایی به زبان های مختلف در جهت تبلیغ اسلام، عبادتی بزرگ است و در اهمیت این مسأله می فرمایند:

اگر ما همه زبان ها را برای تبلیغ اسلام بدانیم عبادتی بزرگ است. ما با زبان اینجا که نمی توانیم برای مردم امریکا و سایر کشورها مسائل اسلام را بگوئیم. امروز اسلام در اکثر کشورها مطرح است (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۷۳).

از دیدگاه امام، تربیت مبلغ و ترویج اسلام از ملزومات صدور اندیشه اسلامی به جهانیان بوده است. ایشان از همه افراد می‌خواهد تا دست به تبلیغ اسلام بزنند هرچند وظیفه علمای دین را در این حوزه سنگین تر می‌داند و در این باره می‌گوید:

از همه حوزه‌های علمیه در هر جا که هست این تقاضا را دارم که دامن به کمر بزنند و نقیصه‌های سابق را که عقب افتادگی‌های سابق را جبران کنند. مبلغ درست کنند، قاضی درست کنند. چیزهایی که احتیاج دارد اسلام به آنها. و تبلیغ اسلام به غیر از اینها، یا عمل کردن به احکام اسلام بدون آنها نمی‌شود... و امیدوارم که موفق بشوید، آقایان موفق بشوند هم در دانشگاه و هم در فیضیه، موفق بشوند به اینکه تربیت کنند عده زیادی را از زن و مرد برای تبلیغ... (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۱۰۵).

از منظر امام، مهم‌ترین ابزارهای تبلیغ اسلام به دو دسته کلی افراد و نهادها تقسیم می‌شوند. افراد مذکور شامل: روحانیان، دانشجویان و مسئولان کشوری و لشکری و نهادهای مذکور در راستای تبلیغ شامل کلیه نهادهای مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. در واقع امام تبلیغ اسلام و ترویج انقلاب را تکلیفی بر عهده همه مسلمانان دانسته است. بر همین مبنا، یکی از اصلی‌ترین ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های نخستین استقرار جمهوری اسلامی اصل تبلیغ و صدور انقلاب است. امام پس از مطرح کردن تبلیغ بنا به ششم سیاسی خود، تعبیر صدور انقلاب را ابداع نمودند (دهشیری ۱۳۸۸: ۱۹). واژه‌ها و عبارات ابداعی امام واژگانی به‌منظور جهت‌دهی به حرکت انقلابی مردم مسلمان یا نفی جریان‌های منحرف و حرکت‌های ضد اسلامی بود (دهشیری ۱۳۸۸: ۱۲).

همچنین امام پاره‌ای از واژه‌ها را در کنار یکدیگر به کار می‌بردند تا ضمن تأکید بر هم‌زمانی دو واژه و تلقی ایشان از آن دو به‌عنوان دو بال برای یک پیکر به مکمل و متعامل بودن آن مفاهیم با یکدیگر اشاره نمایند (دهشیری ۱۳۸۸: ۹).

عدالت

به‌منظور ارائه تبیین از مفهوم عدالت و ارتباط آن با مفهوم صدور انقلاب صورت مدعا

این گونه مطرح می‌شود: قیام‌های شیعی از دیرباز به منظور برقراری عدل و عدالت و در جهت امر به معروف و نهی از منکر اتفاق افتاده است. دامنهٔ تعمیم این قیام‌ها پس از مطرح کردن موضوع بی‌عدالتی زمینهٔ مناسبی را برای قیام علیه حکام جور و سلطان جائز فراهم می‌ساخت و در نتیجه، تحقق موضوع عدالت به‌عنوان هدف قیام و برپایی قیام توسط افرادی بوده است که ظلم و جور را تحمل نکرده و در طی حرکت تشکیلاتی به رهبری شخصیتی مذهبی یا ملی به مقابله با حکام جور پرداخته‌اند. در دامنهٔ معنایی عدالت نیز با در نظر داشتن معنی هویت‌بخشی و ایدئولوژیکی و رویهٔ مساوات‌طلبانهٔ موجود در معنی عدالت در بحث اندیشهٔ سیاسی و صدور انقلاب، مفهوم عدالت در برخی مواقع مبنای اعتراض سیاسی علیه وضع موجود گردیده است و عدالت‌گرایی شاخصه‌هایی از مقابله با وضع موجود را ایجاد می‌کند (متقی ۱۳۸۷: ۲۹۸). از نظر اسلام‌گرایان، نظام بین‌الملل ماهیت تبعیض‌آمیز دارد... و اسلام‌گرایان بر ضرورت عدالت به‌عنوان مفهومی جهانی تأکید می‌ورزند (متقی ۱۳۸۷: ۲۹۹).

امام نیز به مثابه اندیشمندی دینی و زمان‌شناس، با دریافتی جامع از دین و با نگاهی عقلانی - عرفانی نسبت به دین و سیاست و با درکی تاریخی از نیازها و تحولات جامعه و الزامات آن، به احیای نگرش اسلام در تمام ابعاد حیات انسانی پرداخت (جمشیدی ۱۳۸۰: ۴۲۲). برداشت‌های امام از عدالت در اسلام نیز همپای برداشت و درک تاریخی از نیازها و تحولات جامعه طرح‌ریزی شده بود. در واقع امام بر مبنای نگرش توحیدی خود به عدالت خواستار برقراری عدالت در میان ملت‌هایی بود که جور و ستم مردم آن را به ستوه آورده است. این نوع نگاه باعث می‌شد تا استفاده از عدالت به‌مثابه ابزاری دقیق و در جهت برقراری عدالت اسلامی به برپایی حکومت اسلامی در میان ملت‌های مستعد برقراری حکومت اسلامی، منجر شود.

امام دارای سه بعد اساسی یعنی دانش، بینش و کنش سیاسی همگام با مقتضیات زمان بوده است (جمشیدی ۱۳۸۰: ۴۲۲). تعریف امام از سیاست نیز در همین منظومه فکری جای دارد، آنجایی که امام معتقد است

و الله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱: ۲۷۰).

درواقع هدف اساسی سیاست و دین از منظر امام برقراری عدالت در جامعه است و معیار و اساس آن نیز عدالت است (جمشیدی ۱۳۸۰: ۴۳۱). موضوع عدالت در آثار امام به‌طور مبرهن و آشکار کاربرد عمده او قالبی در جهت اهمیت بعد اجتماعی و سیاسی آن دارد و مطلوبیت و شایستگی حکومت با دارا بودن خصلت عدالت شناخته می‌شود (آزینی ۱۳۷۴: ۲۳۲). از الزامات عدل، ستم‌ستیزی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و نفی فسق و فجور و... است. ظلم‌ستیزی به‌عنوان برداشتی از عدالت در جهت اقامه عدل مهم‌ترین مبنای نگرش عدالت را در دستگاه فکری امام تشکیل می‌دهد. از طرف دیگر، امام خود در جهت عملی کردن نظریه فوق‌قدم‌های اساسی برداشت و در بعد عملی مبارزات مستمری علیه جور و ستم و جائران آغاز کرد و مبارزه خود را تا برقراری حکومت عدل ادامه داده و به بزرگ‌ترین هدف خود از مبارزه دست یافت (جمشیدی ۱۳۸۰: ۴۹۱).

در جهت نظری نیز نخستین نظریات عدالت‌طلبانه امام در جهت برقراری حکومت اسلامی و نفی اقدامات رژیم پهلوی در کتاب کشف‌اسرار آمده است آنجا که وی از نویسندگان خواسته است که ملت را با آثار خود بیدار کنند (ر.ک: امام خمینی بی‌تا: ۳۳۴). درواقع آگاهی مردم از بی‌عدالتی پیش‌زمینه ورود برای مبارزه و قیام در جهت استقرار حکومت اسلامی و برپایی عدالت است. دراین باره امام اظهار می‌دارد:

برای من مکان مطرح نیست، آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد آنجا خواهیم بود (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۵: ۳۰۱).

تفسیر صدور انقلاب در مفهوم عدالت با مبانی سیاست خارجی اسلام نیز رابطه دوسویه و تنگاتنگ دارد. درواقع مبانی سیاست خارجی اسلام و اصول فکری و عملی آن اهدافی است که به‌نوعی به برپایی جامعه عادل و تشکیلات اسلامی عادل منتهی می‌شود. بر مبنای اصل دعوت اسلام مردم را به حق و عدالت فرامی‌خواند (نحل: ۱۲۵).

جهاد

واژه جهاد نیز در راستای تبیین مفهوم صدور انقلاب از دیدگاه اسلام و از منظر اندیشه سیاسی امام، پس از مقدماتی چون دعوت و در جهت مبارزه با بی‌عدالتی موجود مطرح

می‌شود. تحلیل انقلاب در قالب اسلامی بودن، از منظر اندیشه سیاسی امام و در جهت ارائه الگوی جهان‌شمول بودن و صدور ایدئولوژی یکی دیگر از وجه‌های اصلی صدور انقلاب است که در آن عدالت‌طلبی به‌عنوان مهم‌ترین الگو در جهت برقراری مساوات تأکید عمده‌ای می‌شود.

درواقع بر اساس اینکه هدف نهایی دین اسلام ایجاد یک امت واحده است، لذا دین اسلام با در نظر گرفتن جهان‌شمول بودن آن همواره نظر به کل پهنه هستی داشته و نجات و سعادت و رستگاری ملل جهان را در سرلوحه برنامه‌ها و اهداف خویش قرار داده است. براین اساس، انقلاب اسلامی نیز از این منظر خارج از چهارچوب فوق نیست و صدور اندیشه‌های اسلامی انقلاب از جمله عدالت از مهم‌ترین اهداف آن است.

امام معتقد بود برای اینکه امت واحده در قالب حکومت اسلامی تشکیل شود امت ملزم به مبارزه با جائری می‌باشند وی هر نوع نظام غیر اسلامی را شرک‌آمیز دانسته و چاره راه را مبارزه جهت از بین بردن دستگاه‌های فاسد و فاسدکننده حکومتی دانسته‌اند (ر.ک: امام خمینی بی تا: ۳۵-۳۶).

دولت‌های فاسد جامعه را رو به فروپاشی برده‌اند و بر اثر رفتار ضد اسلامی آنان جامعه از هم پاشیده شده است و برای یکپارچگی مجدد ضرورت وقوع یک انقلاب ایجاب می‌نماید (نوازی ۱۳۸۸: ۱۱۸).

الگوی حکومتی ولایت‌فقیه نیز پس از استقرار جمهوری اسلامی در ایران و با توجه به تأکیدات مکرر امام مبنی بر مبارزه در راه عدالت و برپایی حکومت اسلامی، الگوی پیشنهادی امام به فقهای اسلام بود و تشکیل حکومت اسلامی و شرعی را برای کسانی که می‌توانستند، واجب عینی و برای دیگران واجب کفایی می‌دانست و این چنین توصیه می‌کرد که:

تمام امور که مسلمین محتاجند و از وظایفی است که حکومت اسلامی باید عهده دار شود، هر مقدار که می‌توانیم باید انجام دهیم (امام خمینی بی تا: ۵۳).

لزوم صدور انقلاب از منظر امام خمینی به دلیل ماهیت فراگیر بودن آن و همچنین اسلامی بودن انقلاب دوچندان بود و امام نیز در چندین سخنرانی به این مسأله تأکید کرده‌اند که:

قصده این است که اسلام، احکام اسلام - احکام جهانگیر اسلام - زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۷: ۳۱) امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب... منتهی شود. و باید ملت شریف که چنین انقلابی بزرگ را نموده است (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۵: ۶۲).

تداوم صدور انقلاب و تحول در قالب‌های گفتمانی امام از پیروزی انقلاب تا رحلت امام خمینی

هر چند ایده صدور انقلاب به سال‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد، اما تداوم صدور انقلاب در دوره زمانی پیروزی انقلاب تا رحلت امام در دو دوره اصلی خلاصه می‌شود. دوره اول از پیروزی تا عزل بنی‌صدر و دوره دوم از عزل بنی‌صدر تا رحلت امام خمینی.

دوره اول از پیروزی تا عزل بنی‌صدر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی گفتمان صدور انقلاب به صورت جدی، اما غیررسمی و در قالب گفتمان صدور دینی انقلاب تداوم یافت. در دوره نه ماهه دولت موقت به دلیل بروز اختلافات بین جناح حاکم و انقلابیون اسلام‌گرا، تأکید بر صدور انقلاب اغلب از سوی طرفداران اسلام‌گرا و نیروهای مکتبی شکل گرفت (دهقانی فیروزآبادی و رادفر ۱۳۹۳: ۷۶). تفسیر انقلاب ایران از سوی دو جناح رقیب باعث شد تا قرائت‌های مختلفی از انقلاب ایران ارائه شود. جناح حاکم عمدتاً انقلاب اسلامی را از منظر یک انقلاب ایرانی تحلیل می‌کرد و ترویج انقلاب در محدوده سرزمینی ایران را اولویت خود قرار داده بود (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۷: ۵۱-۵۳). در قالب گستره معنایی جناح حاکم «هدف اصلی قیام و انقلاب ضد استبدادی» است (بازرگان ۱۳۶۳: ۵۲). از نظر آنان، حکومت ایران بعد از انقلاب می‌بایست در قالب یک دولت - ملت متعارف و ملی تفسیر و ارائه شود. به طوری که بر طبق هدف آنان دولت ایران نیز می‌بایست همچون سایر دولت‌ها بر پایه ایدئولوژی ناسیونالیسم و سکولاریسم استوار باشد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۷: ۳۹-۵۰).

از طرف دیگر، از نظر ملی‌گرایان و رهبران دولت موقت صدور انقلاب متعارض با حقوق بین‌الملل بوده و نوعی مداخله آشکار در امور داخلی سایر ملل محسوب می‌شد.

ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت، به طور آشکارا در یکی از سخنرانی‌های خود سیاست خارجی دولت موقت را عدم مداخله در سایر کشورها دانست (سلطانی ۱۳۶۷: ۵۵۳). دولت موقت به بازتاب انقلاب معتقد بود نه صدور آن. چون بازتاب نتیجه عملی و بدون برنامه‌ریزی انقلاب است، اما صدور مستلزم طراحی، پشتیبانی و ابزارهای خاصی است که دولت باید به‌عنوان یک هدف پیگیری نماید (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۸۲).

در طرف دیگر، اسلام‌گرایان و نیروهای مکتبی و مذهبی قرار داشتند. مفهوم صدور انقلاب از منظر نیروهای مکتبی در برخی موارد به صدور انقلاب به هر وسیله ممکن تعبیر می‌شد به گونه‌ای که افراد شاخصی چون محمد منتظری اعتقاد به صدور قهرآمیز انقلاب اسلامی داشتند (رمضانی ۱۳۸۲: ۵۸). این گفتمان به تعبیر دیگر، حتی فراتر از گستره معنایی صدور انقلاب از منظر امام پا نهاده بود در حالی امام کاربرد هرگونه سلاح قهرآمیز و «سرنیزه» را در صدور انقلاب ممنوع کرده بود و مفهوم صدور انقلاب را ساختارمند ارائه داده بود. این مفهوم از صدور انقلاب در سطح مسالمت‌آمیز در چهارچوب فکری امام قرار داشت. سیاست صدور انقلاب به معنی ترویج و تبلیغ اسلام در دوره حاکمیت دولت موقت با وجود مخالفت رسمی وزارت خارجه و جناح حاکم در قالب شیوه‌های غیررسمی ادامه داشت. در این میان، لبنان و فلسطین در شمار نخستین کشورهایی قرار داشتند که در تیررس هدف انقلابیون ایران برای ترویج انقلاب اسلامی در قالب نهضت‌های رهایی‌بخش قرار داشتند. در راستای صدور انقلاب اسلامی برخی نهادهای تشکیل شده مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی از جمله سپاه پاسداران نقش زیادی در گسترش معنای صدور انقلاب ایفا می‌کردند. سپاه در برداشت خود از مفهوم صدور انقلاب اعتقاد داشت که رسالت و وظیفه بسط و گسترش انقلاب بر اساس متن قانون اساسی را عهده‌دار است (حشمت زاده ۱۳۹۵؛ ۲۹؛ دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۸۴).

در برخی از نشریات از جمله نشریه پیام انقلاب به‌عنوان ارگان رسمی سپاه پاسداران مقالات مختلفی در این باره منتشر شده است. نویسندگان مقالات این نشریه، صدور انقلاب را به معنی یاری رساندن به محرومین جهان دانسته‌اند، و دامنه عملی صدور انقلاب را در دو جبهه مطرح نموده‌اند. جبهه نخست جهاد عقیدتی، یعنی صدور فکر و اندیشه انقلاب برای توده‌های ناآگاه جهانی و روشن ساختن آنها به تضادهای موجود و

ظلم و ستم‌هایی که هر روز می‌بینند و جبههٔ دوم جهاد آزادی‌بخش مسلحانه (ر.ک: نشریه پیام انقلاب سال ۱۳۵۹). نگرش فوق از مفهوم صدور انقلاب تا زمان عزل بنی‌صدر ادامه داشت. بنی‌صدر که در دوران ریاست جمهوری خود نتوانسته بود مطالبات مردمی را به‌طور کامل برآورده سازد با اعلام عدم صلاحیت و کفایت سیاسی از سوی امام و توسط نمایندگان مجلس عزل شد. در دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر جنگ ایران و عراق در ماه‌های اولیه خود قرار داشت. رهبران عراق با اشاره به اقدامات بعضی گروه‌های تندرو انقلابی معتقد بودند که برای مقابله با صدور انقلاب و مداخله ایران به‌منظور ایجاد انقلاب اسلامی در عراق به دفاع از خود اقدام کرده‌اند (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۷: ۳۲۳).

دورهٔ دوم از عزل بنی‌صدر تا رحلت امام خمینی

تحول در مفهوم صدور انقلاب پس از دورهٔ عزل بنی‌صدر تحت علل و عوامل مختلفی چون: در دستور کار قرار گرفتن صدور انقلاب ذیل وزارت خارجه در قالب اشاعه و گسترش حکومت اسلامی، تحول گفتمانی در سیاست خارجی ایران، تغییر نخبگان و تصمیم‌گیرندگان، جنگ تحمیلی عراق، و اشغال افغانستان توسط شوروی قرار داشت.

جنگ ایران و عراق

با شروع جنگ ایران و عراق و نبردهای فرسایشی، ضرورت دفاع از خاک ایران باعث شد تا این بار مفهوم صدور انقلاب به‌طور جدی مورد توجه سیاستمداران ایران قرار گیرد. میرحسین موسوی وزیر امور خارجهٔ وقت، رسماً سیاست صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی قرار داد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۷: ۸۸).

از طرفی دیگر، به دلیل اینکه مکتبی‌ها و مذهبی‌ها خواهان استفاده از فرصت به وجود آمده در جنگ ایران و عراق برای صدور انقلاب بودند، صدور انقلاب این بار معنای دیگری پیدا کرد به‌نحوی که اساس و اصل صدور مبنی بر دفاع از انقلاب اسلامی به‌وجود آمده در ایران به‌وسیله دفاع از خاک ایران و جلوگیری از نفوذ عراق به ایران طرح‌ریزی شد. ضرورت مبارزه با رژیم عراق و آگاهی از اینکه رژیم عراق با مردمان کشور خود با نگاهی

استبدادی و طاغوت‌وار ادامه حیات می‌دهد، سبب شد تا معنای صدور انقلاب در این دوره به معنی بیدار کردن توده‌های مستضعف جهان برای رهایی از ظلم باشد. آگاهی بخشی از اینکه دولت حاکم بر ملت‌های مستضعف از نوع دول استبدادی هستند زمینه‌ای را برای رهایی بخشی فراهم می‌آورد. در واقع مقدمه رهایی ملل مستضعف آگاه شدن مردم به استبدادی بودن رژیم حاکم بود. این تعبیر نمود بیشتری در جنگ ایران و عراق پیدا کرد. از طرفی، امام نیز در سخنرانی‌های خود در سال‌های جنگ مرتباً به لزوم بیدار شدن ملت‌ها تأکید می‌کرد که:

ما اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشور گشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند... آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند... زندگی می‌کنند نجات بدهد (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۳: ۲۸۱).

معنی آگاهی بخشی از صدور انقلاب ایران استنباط دقیقی از سیاست انقلاب مستمر است. به نحوی که امام نیز همواره بر ضرورت انقلاب آگاهی بخش در ملت‌های مستضعف تأکید می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۷: ۲۰۱).

به تعبیر دیگر، در اندیشه سیاسی امام، آگاهی بخشی از استضعاف، مقدمه‌ای برای صدور اسلام و انقلاب اسلامی بود. صدور انقلاب از منظر امام، به معنی یک تکلیف الهی است و ضرورت مبارزه ایران با عراق نیز رنگ و بوی جهاد به تکلیف اسلامی را اضافه کرد که هدف نهایی آن حاکمیت اسلام و احکام تعالی بخش آن می‌باشد. در واقع، ضرورت جهاد اسلامی، صدور انقلاب را به عنوان تاکتیک تهاجمی علیه دشمنان و انقلاب و برای دور کردن خطر آنان و به نوعی صیانت از انقلاب اسلامی ایجاب می‌کرد. امام در سال‌های جنگ ایران و عراق همچنان به صدور انقلاب اسلامی به عنوان الگوی ارزش‌های مطلوب مردم تحت ستم می‌نگریست و معتقد بود که انقلاب اسلامی معرف آرمان‌های مردم محروم و مسلمانان مظلوم است و مورد پذیرش آنان می‌باشد (فلاح نژاد ۱۳۸۴: ۵۷).

برای مثال، مجله پیام انقلاب ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «سپاه و صدور عملی انقلاب» پنج روز پس از آزادسازی خرمشهر در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۶۱ صراحتاً به این الگوی صدور انقلاب این چنین تحلیل و توصیه می‌کند:

... ما بدون اینکه طمع در اشغال یک کشور داشته باشیم و بدون اینکه یک وجب از خاک را هم بخواهیم اشغال کنیم، می‌خواهیم هر کشوری به دست مسلمان‌ها و مستضعفین همان منطقه اداره شود و ما در انقلاب می‌خواهیم حامی آنها باشیم و از آنها حمایت کنیم.

به نظر می‌رسد این مواضع تا بدان جا که با صدور اندیشه‌ای انقلاب سازگار است با مواضع امام همخوانی دارد.

با در نظر گرفتن کشور عراق به‌عنوان کشوری شیعی، همجواری آن با ایران، وجود علما و مراکز دینی و تبعید چندین ساله امام به عراق و افزایش همکاری میان او و علمای عراق، جنگ ایران و عراق از تهدید به فرصت تبدیل شد. از طرف دیگر، آموزه‌های انقلاب اسلامی به‌منزله چراغ راه مردم عراق در جهت مبارزه با گرایش‌های استکباری و استبدادی صدام قرار گرفت. همچنین دولت عراق نیز از آشفتگی انقلابی حاکم بر ایران طی سال‌های اولیه استقرار جمهوری اسلامی استفاده کرد و تلاش‌های پیشگیرانه‌ای در جهت جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران نمود. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به برخورد شدید با اسلام‌گرایان و مخالفان به‌خصوص شیعیان و علی‌الخصوص حزب الدعوة و اعدام شهید صدر و خواهرش و حمله گسترده و آشکار به کانون انقلاب اسلامی جهت انحراف، انهدام و مهار آن اشاره کرد (حشمت زاده ۱۳۹۵: ۸۶).

با طولانی شدن جنگ ایران و عراق مفهوم صدور انقلاب دستخوش تغییر و تحولات مفهومی و معنایی شد. در طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ الگوی صدور انقلاب در قالب اندیشه عدالت از منظر امام ادامه یافت. در این سال‌ها صدور انقلاب به‌معنای تبیین و ترویج الگوی مبارزاتی انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی و انسانی آن تعریف می‌شود (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۱۰۹). از طرفی، همپوشانی عدالت و استقرار حکومت اسلامی عادل با تبلیغات اسلامی یکی از مهم‌ترین معانی صدور انقلاب از منظر امام در این سال‌ها به شمار می‌آید. امام در سخنرانی‌های ایراد شده در طی سال‌های مذکور عمدتاً به صدور

انقلاب در قالب افکار و عقاید و با تأکید بر ابزارهای غیر جنگی و مسلحانه تأکید داشت.

در یکی از سخنرانی‌های امام در این باره آمده است که:

و ما که می‌گوییم اسلام را ما می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آنکه ما می‌توانیم این است که به وسیله دستگاههایی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که در خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود آن طور به مردم ارائه بدهیم و به دنیا ارائه بدهیم، و همین خودش از هزارها توپ و تانک بیشتر می‌تواند مؤثر باشد. (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۳۶۴).

چرخش الگوی صدور در دوران جنگ

چرخش به سمت صدور فرهنگی انقلاب از دیدگاه امام، چرخشی بود که از همان ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایشان بر آن تأکید داشتند. در واقع با در نظر گرفتن اندیشه تبلیغ به عنوان ابزار صدور انقلاب، ایشان همواره بر کار فرهنگی و انجام تبلیغ در جهت اشاعه الگوی حکومت اسلامی و استقرار عدالت تأکید داشتند. اما این تأکید در برهه‌ای از زمان یعنی در سال‌های ۶۳ تا ۶۷ دو چندان شده و در سخنرانی‌های متعددی ایشان به این موضوع اشاره می‌شد.

در داخل ایران نیز همواره تبلیغ فرهنگی مدنظر امام بود تا به عنوان الگوی جامعه اسلامی مورد توجه سایر ملل قرار گیرد. صدور انقلاب فرهنگی به عنوان انقلابی که ساختار فرهنگی ایران را متحول ساخته و افکار اسلامی و فرهنگ اسلام را در جامعه حاکم کرد از مهم‌ترین نمونه این طیف تبلیغ فرهنگی است. و در سخنرانی که مدیران و کارکنان صدا و سیما داشتند ایشان همچنین بر استفاده مؤثر از ابزارهای و رسانه‌های فرهنگی در جهت صدور انقلاب تأکید کرده و مطبوعات و رسانه‌های جمعی صدا و سیما را از ارکان اصلی آن نام برده‌اند (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۳۶۲-۳۷۰). ضرورت تبلیغ توسط دستگاه دیپلماسی و نخبگان ایرانی ساکن در خارج از مرزهای ایران نیز به عنوان

یکی از مهم‌ترین ابزارها در نظر گرفته شده است. در نتیجه، امام همواره بر صدور فرهنگی انقلاب از طریق ابزارهای متنوع و مختلف تأکید زیادی داشته است تا در قالب تبلیغ این مفهوم مورد توجه قرار گیرد. ضرورت پرهیز از وابستگی فرهنگی و ترویج اندیشه سیاسی اسلام در قالب فکری امام و صدور فرهنگی انقلاب در نهایت، به منظور مقابله با تلاش غرب منجر به معرفی تمدنی نو بر پایه ارزش‌های الهی شد (اسپوزیتو ۱۳۸۲: ۲۰۹).

تغییر در نخبگان حاکم بر جامعه ایران

افراد اسلام‌گرای حاکم در رأس قدرت نیز در جهت عملی نمودن صدور انقلاب به تلاش‌های خود ادامه دادند. شهید رجایی پس از استعفای دولت موقت و ماجرای اشغال سفارت امریکا چنین می‌گوید:

اشغال جاسوس خانه به شعار بعد از شاه نوبت امریکاست تحقق عینی بخشید است و خط سیاست نه شرقی و نه غربی امام را طوعا و یا کرها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم کرد. سیاستی که در عین مبارزه بی‌امان با غرب جنایت‌کار کوچک‌ترین امید به شرق تجاوزگر نداشته و در مقابله با سلطه‌طلبی شرق دست نیاز به سوی غرب دراز نمی‌کند (اطلاعات ۵۹/۱۱/۸).

شهید باهنر معتقد بود:

...به‌طور کلی حمایت از منافع نهضت‌ها... و توده‌های مستضعف جهان در صدر برنامه‌های سیاست خارجی قرار دارد (اطلاعات ۱۳۶۰/۵/۱۵).

اسلام‌گرایان در جهت اثبات مدعای خود از مفهوم الگویی صدور انقلاب در اندیشه امام استفاده کرده و به این سخن امام استناد کردند که:

...زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر تمام قدرتها و ابرقدرتها کمر به نابودی مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۲: ۲۰۲).

اشغال افغانستان توسط شوروی

در نهایت باید به اشغال افغانستان توسط شوروی اشاره کرد. مسأله مذکور نیز فرصت دیگری در اختیار متولیان صدور انقلاب قرار داد. تجاوز شوروی به افغانستان و حمایت ارتش صدام از سوی شوروی باعث شد تا متولیان امر صدور انقلاب، به حمایت از مجاهدین افغان برخیزند؛ چراکه حمایت از مستضعفین افغان مصداق بارز جنگ آزادی‌بخش تلقی می‌شد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۱۰۷). از طرف دیگر، این حمایت در قالب گفتمان عدالت و تبلیغ در جهت صدور انقلاب جای داشت. بدین معنی که حمایت از مجاهدین افغان در جهت نابودی ظلم و ستم و تجاوز خارجی و در هدف کلی استقرار حکومت اسلامی در آن کشور قرار داشت. ایران با حمایت از افغانستان در برابر تجاوز شوروی نشان داد که الگوی سیاست خارجی خود را در تعقیب شعار نه شرقی و نه غربی ادامه داده است. و از طرف دیگر، ضمن حمایت از مبارزان افغان در میزان سقوط شوروی و کمونیسم نیز ایران به خوبی نقش خود را بازی می‌کرد (حشمت‌زاده ۱۳۹۵: ۱۹۳) مجاهدین افغان نیز ضمن تأثیرپذیری از صدور انقلاب اسلامی و مبارزه برای استقرار حکومت اسلامی در نشریات و مطبوعات خود به زبان‌های مختلف ازبکی و روسی ایده‌های اسلامی را در مناطق مسلمان‌نشین شوروی نشر دادند و بدین ترتیب افغانستان به دلیلی شرایط خاص مبارزاتی، الگوی اسلامی و انقلابی را از ایران الهام گرفت و تبدیل به پایگاهی برای صدور انقلاب اسلامی شد (حشمت‌زاده ۱۳۹۵: ۱۹۴). اندیشه‌های سیاسی امام دربارهٔ صدور انقلاب اسلامی در قالب معنایی تبلیغ و عدالت باعث شد تا صدور انقلاب در گفتمان تقابل با سلطه شرق و غرب جای گیرد.

نتیجه‌گیری

با در نظر داشتن مفهوم صدور انقلاب اسلامی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که، امام همواره مفهوم صدور انقلاب اسلامی را در قالب دو گفتمان اصلی و در قالب اندیشه سیاسی دنبال می‌کرد. ۱. تبلیغ و ۲. عدالت. تبلیغ به‌عنوان مهم‌ترین ابزار صدور انقلاب دامنه معنایی این مفهوم را به حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی کشاند بدین معنی

که امام ضمن دعوت و تبلیغ مردم ستم‌دیده جهان جهت مبارزه برای استقرار حکومت اسلامی همواره بر متولیان امر صدور انقلاب تأکید می‌کنند که از ابزارهای فرهنگی در جهت صدور انقلاب استفاده شود. این موضوع حتی در اندیشه مبارزاتی امام در سال‌های مبارزه با رژیم پهلوی نیز منعکس شده است. ضرورت بهره‌گیری از زمینه‌های نرم‌افزاری موجود در تبلیغ و اشاعه حکومت اسلامی در نهایت با نظریه عدالت امام پیوند برقرار کرده و به‌عنوان دو بال یک پیکر گفتمان اصلی صدور انقلاب از منظر امام را تشکیل می‌دهد. به‌منظور برقراری جامعه اسلامی و عدالت اسلامی همواره عدالت اجتماعی و ضرورت مبارزه با استبداد و استکبار مورد تأکید امام بوده و به‌عنوان هدف نهایی صدور انقلاب در نظر گرفته شده است و به تعبیر دیگر، صدور انقلاب در منظر امام در قالب دیپلماسی نرم و در جهت برقراری عدالت اجتماعی و تشکیل جامعه اسلامی است. در عمل نیز طی سال‌های پس از انقلاب تا رحلت امام، فارغ از گرایش‌های برخی گروه‌های سیاسی در صدور انقلاب اسلامی، مفهوم صدور انقلاب در این دو قالب فکری تجلی یافته است.

منابع

- آذینی، محسن. (۱۳۷۴) *اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- اسپوزیتو، جان. ال. (۱۳۸۲) *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳) *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: نهضت آزادی ایران، چاپ چهارم.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۰) *نظریه عدالت از دیدگاه فارابی امام خمینی و شهید صدر*، تهران: پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- حشمت زاده، محمدباقر. (۱۳۹۵) *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خمینی (امام)، سیدروح الله. (۱۳۸۹) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۵.

- _____ . (بی تا) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۱.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۸) *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزه راد فر. (۱۳۹۳) *الگوهای صدور انقلاب*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۷) *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- رمضان، روح الله. (۱۳۸۲) «صدور انقلاب ایران سیاست اهداف و وسایل»، در کتاب اسپوزیتو، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- *روزنامه اطلاعات* ۱۳۶۰/۵/۱۵.
- _____ . ۱۳۵۹/۱۱/۸.
- سلطانی، مجتبی. (۱۳۶۷) *خط سازش بررسی و تحلیل مستند پیرامون تاریخچه مواضع و عملکرد نهضت آزادی*، تهران: مرکز چاپ و نشر.
- فلاح نژاد، علی. (۱۳۸۴) *سیاست صدور انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی، یحیی. (۱۳۹۴) *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران: نشر معارف.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۸۷) *رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- *نشریه پیام انقلاب* ۱۳۶۱/۳/۸.
- _____ . ۱۳۵۹.
- نوازی، بهرام. (۱۳۸۸) *صدور انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی*، تهران: پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.